

فتر

ووهها

www.irarchive.com

گفدراسیون جهانی عصلین ودانشجویان ایرانی

## د فترسرود ها

بیاد بود بیستمین سالگرد شانزدهم آذر

بخاطره ناصر قندی ، مصطفی بزرگ نیا و آذر شریعت رضوی

بیاد پرشکوه همه زمند گانی که در مبارزه  
علیه رژیم فاشیستی و دست نشانده شاه در  
زندانیها ، شکتی جها گاهها و میدانهای  
تیر دلیرانها با سرود زندگی بر لب  
در راه آرمان بزرگ خلق  
جان دادند و تسلیم نشدند

تقدیم میشود .

کشفد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

۱۶ آذر ۱۳۵۲

شانزدهم آذر

بار دیگر شانزدهم آذر آمد و سر بسر

در قلوب مردم شعـله افکند

جنبش دانشجویی ایران بخون شهیدان

در ره خـلقمـان خورد هـ سوگند

که تا آخرین نفس، آخرین نفس

کوشیم و بشکنیم دیوار این قفس

در ره ازادی ایـران (۲)

شریعت رضوی قندچی بزرگ نیـا

گشتند شهید در ره ستیزه با ارتجاع

خون آنها نهـال همبستگی ما را

محکم کرد و استوار با جنبش تودها

يك دل و يك جان متحد

در ره آنها نهیم گام

تا انقلاب ایران پیش رود تا سرانجام

شریعت رضوی .....

گشتند شهید .....

خون آنها .....

تا انقلاب ایران پیش رود تا سرانجام

سی تیر (بیاد شهیدان سی تیر ۱۳۳۱)

بیا تا بیاد شهیدان تیر  
بدان اخترانی که افروختند  
که رفتند در راه فتح و امید  
دل و جان بدامن صبح سپید

بیا کنیم پرچم خشم و کین را  
بی افکنیم زند هگانی نویسن  
خروش ما برکنند بنای بیداد  
بسررسد این نبرد آخرین

دُمد لالهای از دل کوه و دشت  
خروشد کنون آتش انتقام  
بیاد عزیز شهیدان ما  
زهرگوشه خاک ایران ما

بیا کنیم . . . . .

بی . . . . .

خروش ما . . . . .

بسررسد این نبرد آخرین

قطره‌های خون (سرود شهیدان)

آنها رفتند ولیکن  
از هر قطره خون  
در بستان رزم خلق  
زان پس تا کنون  
هزاران گل شکفت

رزم خلق جاویداناست  
دشمن سرنگون  
پیکاری قهرآمیز  
راهی بس گلگون  
مملو از خیز وافت  
لالا لالا لالا لالا

باز این دژخیم بلید  
از گلستان خلق  
گل‌هایی تازه رسس  
از هر اسش رسود  
لالا لالا .....

باز موج خمی عظیم  
دردل خرد و پیر  
جوشان و گشت و به پیش  
قسطه ترو نه بود  
لالا لالا

آنها رفتند ولیکن  
از هر قطره خون  
در بستان رزم خلق  
زان پس تا کنون  
هزاران گل شکفت  
رزم خلق جاویداناست  
دشمن سرنگون  
پیکاری قهرآمیز و  
راهی بس گلگون  
مملو از خیز وافت  
در جهان به از این راهی  
بهرمانیست بهرمانیست  
راهها جز ره خلق چیست

## سپاهکل

تا قهرا انقلاب رهنمون ماست

تا عشق تود ها در وجود ماست

فتح آخرین بیشک از آن ماست

تا اتحاد ما برپا برپا برپاست (۲)

شهادت جنـگل

یـل سـیه کل

بتیرگی ها زدی تو صیقل

خاطرت در دل جاودان شده

نام تو جاری بر زبان شده

نشارتو درود مـا

بنام تو سرود ما (۲)

پیمان ما با تو تا گسستنی است

بیکارتو درهم نداشتنی است

چون مسلح است رسم نبرد تو

صبح پیروزی باشد از آن تو

شکست دیروز، تلاش امروز

نوید فردا، فردای پیروز (۲)

خون تو جوشد در وجود ما

قهرتو باشد رهنـود ما

نشارتو درود مـا

بنام تو سرود ما (۲)

جنگل

جملگی گشته بهرا نقلاب آماد ه  
از جنگل تا سیه کل خصم از پا افتاد ه  
میا مدم بگوش برجوش و پرخروش  
نغمه شلیک رگبار مسلسلها  
از قلب تاریک و از اعماق جنگلها  
لا لا لا ..... لا

استعمار یکسوار تجاع با او  
سوی دیگر خلق و دران قشر دانشجو  
جنبش خلق نافذ در هر بزن و هر کوه  
کارگر بزرگان روشنفکران هم صف  
همدوش خلق میهن جملگی جان برکف  
لا لا لا .... لا

ره بر پیچ و خم آیند ه روشن  
از سختی از قربانی از مرگ نهراسیم  
تا پیروزی را بیشک از آن خود سازیم  
حیدر پیدا شده کوچک بر پا شده  
ژاهی کلگون از خرداد خونین میسر  
پی گیرش ای هموطن پویش تا با آخر  
لا لا لا ..... لا

اتحاد ، مبارزه ، پیروزی

توده پرشوردانشجویان

اکنون دیگر رشد جنبش خلق خواهد

که اتحاد ما محکمتر گردد

در ره انقلاب ابلاب ایران

مرگ بر ارتجاع شاه دیواساء

مرگ بر امپریالیستها پا گلی غولها

پیگیری ما در مبارزه

صد چندان بساید رفیقان

مبارزه را چون پیشرانیم

نابود گردانیم امپریالیسم ارتجاع

پیروزی با ما است

زیرا که بستیم با انقلاب خلق پیمن

را

سازمان ما کنگد راسیون

مستحکم گردانیم ضد ارتجاع

رهنمون ما همواره باشد

اتحاد مبارزه پیروزی - اتحاد مبارزه پیروزی



## دانشجو

بنیروی خلاق علم و هنر  
درخشان نما زندگی  
گسل با فشردن صفاتحاد  
قیود عقب ماندگی

برپا خیز با هم آمیز

علم و زندگی را ای جوان

"دانشجو با نور علم

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

بدست جنایتگران

شده خاک ایران ما غرق خون

بناهای غارتگران

بنیروی دانش کنیم سرنگون

برپا . . . . .

علم . . . . .

"دانشجو . . . . .

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

همه دانش وجد و جهد

گزاریم در خدمت اجتمع

برای وفای بعهده

بسان "سه دانشجو" آماد ه ایم

برپا . . . . .

علم . . . . .

"دانشجو . . . . .

روشن کن راه صلح جهان" (۲)

کل کندم

بصحرا رفتم و زمین را کندم (۲)

ز درد و پربلائی بزودی مبتلائی "

دلی در سینه دارم مال مرد

اگر صد سال ندانی اسیر خان بمانی

کل حسرت بدل می نشانم (۲)

قربان داستان پر پینهات آن دل

پر کینهات (۲)

در این عالم که جز ما فکر ما بود "

آخر در دل حسرت بمیرد دردت

درمان پذیرد (۲)

بهار زندگی اما نیامد "

همه صحرا را خرم ببینم گل گندم ببینم

شب و روز آمد و رفت از پیسی هم

اریاب و زمانه تو خوردی تا زیانده

دلی دارم دلسی در کشت گندم

که رنجانده دلت را که برد حاصل ترا

در آن روزی که خرمن میفشانم

بجوشان کینهات را سپر کن سینما ترا

سرم سودائی و سودا کجا بود

بفکر خود خودت باش مکش آه و مگوکاش

زمستان رفت و سرماها سرآمد

بهار اید بخانه زما گیرد نشانه

### بریا ای هموطن

بریا بریا ای هموطن

از زندان ها از شکنجه ها

اینک برای بار دیگر پیا شویم

در راه خلق جان فدا کنیم

در راه خلق کریک نفر قهرمان جان دهد

یاران شدند گلگون کفن

سرها گشته دور از بدن

انقلاب دیگری ز نو پیا کنیم

از راه خلق ما دفاع کنیم

صد ها نفر جان او پیا نهد

امید فردا

دام امید آنکه فردا پاک و زیبا  
سرزند خورشید زندگسی ها  
روشنی بختد این سرزمین ها  
لالا لای لالای . . . .  
در این دو روز زندگانی زندگانی  
گر برای دل ما شرنک است  
چونکه دل شیشه و غصه سنگ است  
لالالای لالای . . .

بیا خیزید نوجوانان پرزنیرو  
پروریند در سینه خشم جوشان  
سرد هید در راه خانه دوشان  
بیاری علم و دانش سعی و کوشش  
در ره اتحاد ستمکش

بکسلیم زنجی—ر بردگی را  
لالالای لالا . . . . .  
بیاری خلق ایران ای رفیقان  
برکنیم پایه کاخ دیوان  
پاک و زیبا کنیم خاک ایران  
لالالای لالا . . . . .

سرود شماره ۱ کنفد راسیون (مصوب کنکره لوزان)

از هنر جهان زنده کرد  
پی هنر کرا زندگیست  
گر چراغ دانش نیا شد  
زندگی همه تیر کیست  
بسایه پرچم و هنر  
همه کنیم یک پیکر  
ز پرتو دانش شود جهان  
قرین بگام جاویدان  
باشستی بگروه پیش  
زباختر تا خاور  
چو گیتی اید یکسر از فنون  
جهانیان را در فرمان  
به پای پای بدین سرود پرطنین  
به پیش بگام آهنین  
به پیش پیش بجستجوی زندگی  
ببرون ز جهل و تیرگی

## زوزد باد

کفش پارده بکنراز کوه ها	زوزد باد و باران و توفان
آنجا که میسند رخشد خورشید (۲)	برای پیروزی، بهسار فرزند
تلاش در خون خود داریم	تا جان در تن، و شور و سرمد داریم
ما پیمان فتح در دل داریم (۲)	از پای تنشینیم در راهی <sup>کمر</sup> بستیم
ببر کنند این خانه بیداد	تو در خلق چیرد شود روزی
ببر فرار از کوههای ایران (۲)	افراشته کردد پرچم انقلاب تا
انقلاب با پیروزی باد شد	راد ما راد توود دهها باشد
ببر فرار از کوههای ایران (۲)	افراشته کردد پرچم انقلاب تا

www.iran-archive.com

## قهرمانان

باید برویم همگی بره خلق ایران (۲)	ای جوانان رفقا قهرمانان
پرلانه وکل بشود همهجا چون گلستان (۲)	از خون ما رفقا لاله رویسد
در رد خلق جان بیازیم	چون دماوند سر سرازیم
یک پا ننهیم قدمی بعقب تا دم مرگ	در را د وطن خون گر چکد بار دیگر
در رد خلق جان بیازیم	چون سهند میدان سرفرازیم
یک پا ننهیم قدمی بعقب تا دم مرگ	در را د وطن خون گر چکد بار دیگر

لالائی ————— رای بیداری

لالای لای لای گل پونه  
 بابات رفته دلم خونه  
 بابات امشب نمی آید  
 گرفتن بندش شاید  
 بخواب آروم چراغ من  
 گل شب بوی باغ من  
 بابات شب رفته از خونه  
 که خورشید و بجنبونه  
 لالای لای لای گل انجیر  
 بابات داره بیاش زنجیر  
 بیاش زنجیر صد خواره  
 چشاش خواب و دلش بیدار  
 بخواب آروم گل خورشید  
 بابات حال تو رو پرسید  
 بهش گفتم که شیری تو  
 بی او را می گیری تو  
 لالای لای لای گل امید  
 باباتو برده اند تبعید  
 دلی مانند کوه داره  
 بچش صد تا عموداره  
 بخواب فردا سحر میشه  
 شب از عالم بدر میشه

خراب میشه در زندون  
 بابات خونه میاد خندون  
 لالای لای لای گل آهن  
 باباتو دشمن کشتن  
 نشون دشمن اونسه  
 دساشون غرقه در خونه  
 بخواب آروم تنوی بستر  
 شه آتیش تو خاکستر  
 که فردا شعله ور میشی  
 تو خونخواه پدر میشی  
 لالای لای لای گل کیسه  
 زمین از کشته رنگینه  
 زمین زنگین نیمونه  
 دلت پرکیمن نیمونه  
 بخواب اعیون عزا داره  
 که اعیون دختر داره  
 عروس من میشه دختر  
 جهون ایمن میشه یکسر

چه کسی خواهد من و تو ما نشویم

خانهاش ویران و عمرش نیست باد	چه کسی خواهد من تو ما نشویم
تو اگر ما نشوی خویشتنی	من اگر ما نشویم تنهائیم
هست برهان فرا موشی من، فرا موشی من	تو مپندار که این خا موشی من
هست برهان بر جدائی تو، جدائی تو	تو مپندار که این تنهائی تو
همراه خلق همراه دشمن تو بستیز	ای روشنفکر با خلق در امیز
شورا انقلاب بر پا نکنیم	از کجا که من و تو دست بدست
مشت رسوایان را وانکنیم	از کجا که من و تو متحد
چه کسی بر خیزد چه کسی باد دشمن خلق ستیزد	من اگر بنشینم تو اگر بنشینمی
همراه بر می خیزند	من اگر برخیزم تو اگر بر خیزی

www.iran-archive.com

هم چو دریای بی کرانی مام طوفانی  
مهد آرش مهد کاوه ای - آشیان شیرانی (۲)  
هم چو کوهی پرتوانی - زرگردانی  
مهد مزدک مهد بابک - آشیان شیرانی (۲)  
هم چو آتش شعله بخشی پاک و جاودانی  
مهد ستار مهد حیدر - آشیان شیرانی (۲)  
هم چو خورشیدی فروزان گرم و تابانی  
مهد روزبه مهد بهرنگی - آشیان شیرانی (۲)

انترناسیونال

تنها ما توده جهانی  
اردوی پیشمارکسار  
داریم حقوق جهانیانسی  
نه که خونخواران غدار  
غرد وقتی رعد مرگ اور  
بر رهزنان و دژخیمان  
در این عالم بر ما سراسر  
تا بد خوورشید نورافشان  
روز قطعی ..... (۲)

بر خیزای داغ لعنت خورده  
دنیای فقر و بندگی  
جوشیده خاطر ما را برده  
به جنگ مرگ و زندگی  
باید از ریشه براندازیم  
کهنه جهان جور و بند  
انکه نوین جهانی سازیم  
هیچ بودگان هر چیز گردند  
روز قطعی جدال است

آخرین رزم ما

انترناسیونال است

نجات انسانها

بر ما نبخشد فتح و شادی  
خدا، نه شه، نه قهرمان  
با دست خود گیریم ازادی  
در پیکارهای بسی امان  
تا ظلم از عالم بر روییم  
نعمت خود آریم بدست  
دمیم آتش را بکوییم  
تا وقتی که آهن گرم است  
روز قطعی جدال است



## DIE INTERNATIONALE

Wacht auf, Verdammte dieser Erde,  
die stets man noch zum Hungern zwingt!  
das Recht wie Glut im Kraterherde  
nun mit Macht zum Durchbruch dringt.  
Reinen Tisch macht mit dem Bedränger!  
Heer der Sklaven, wache auf!  
Ein Nichts zu sein, tragt es nicht länger,  
Alles zu werden, strömt zuhauf!

:/: Völker hört die Signale  
Auf zum letzten Gefecht!  
Die Internationale  
erkämpft das Menschenrecht!

Es rettet uns kein höheres Wesen,  
kein Gott, kein Kaiser, noch Tribun.  
Uns aus dem Elend zu erlösen,  
können wir nur selber tun!  
Leeres Wort: des Armen Rechte!  
Leeres Wort: des Reichen Pflicht!  
Unmündig nennt man uns und Knechte,  
duldet die Schmach nun länger nicht!

:/: Völker hört .....

In Stadt und Land, ihr Arbeitsleute,  
Wir sind die stärkste der Partei'n .  
Die Müßiggänger schiebt beiseite!  
Diese Welt muß unser sein!  
Unser Blut sei nicht mehr der Raben  
und der nächt'gen Geier Fraß!  
Erst wenn wir sie vertrieben haben,  
dann scheint die Sonn' ohn' Unterlaß!

:/: Völker hört .....

## THE INTERNATIONALE

Arise ye prisoners of starvation,  
Arise ye wretched of the earth,  
For justice thunders condemnation,  
A better world is in birth.  
No more tradition's chains shall bind us,  
Arise ye slaves no more in thrall.  
The earth shall rise on new foundations,  
We have been naught, we shall be all.

'tis the final conflict,  
Let each stand in his place.  
shall be the human race.  
'tis the final conflict.  
Let each stand in his place!  
shall be the human race.

We want no condescending saviours  
To rule us from their judgement hall.  
We workers ask not for their favors,  
Let us consult for all.  
To make the thief disgorge his booty  
To free the spirit from its cell.  
We must ourselves decide our duty,  
We must decide and do it well.

'tis the final conflict .....

Toilers from shops and fields united,  
The union of all who work.  
The earth belongs to us the workers,  
No room here for those who shirk.  
How many on our flesh have fattened,  
But if the bloody birds of prey  
Shall vanish from the sky some morning,  
The golden sunlight will stay.

'tis the final conflict .....

## L' INTERNATIONALE

Debout, les damnés de la terre,  
Debout, les forcats de la faim.  
La raison tonne en son cratere,  
C'est l' éruption de la fin.  
Du passe, faisons table rase  
Foule esclave debout, debout  
Le monde va changer de base,  
Nous ne sommes rien, soyons tout.

### Refrain

C'est la lutte finale,  
Groupons-nous et demain } (bis)  
L' internationale  
Sera le genre humain.

### II

Il n'est pas de sauveurs suprêmes:  
Ni Dieu, ni César, ni tribun;  
Producteurs, sauvons-nous nous-mêmes!  
Décrétons le salut commun!  
Pour que le voleur rende gorge.  
Pour tirer l'esprit du cachot,  
Soufflons nous-mêmes notre forge,  
Battons le fer quand il est chaud!

### Refrain

C'est la lutte finale .....

### III

Ouvriers, paysans, nous sommes  
Le grand parti des travailleurs;  
La terre n'appartient qu'aux hommes,  
L'oisif ira loger ailleurs.  
Combien de nos chairs se repaissent,  
Mais si les corbeaux, les vautours  
Un de ces matins disparaissent,  
Le soleil brillera toujours,

### Refrain

C'est la lutte finale .....

## DAS SOLIDARITÄTSLIED

Vorwärts, und nicht vergessen,  
worin unsere Stärke besteht!  
Beim Hungern und beim Essen  
Vorwärts, nie vergessen  
die Solidarität!

Auf, ihr Völker dieser Erde,  
einigt euch in diesem Sinn:  
daß sie jetzt die eure werde  
und die große Nährerin.

Vorwärts, und nicht vergessen,  
worin unsere . . .

Schwarzer, Weißer, Brauner, Gelber!  
Endet ihre Schlächtereien!  
Reden erst die Völker selber,  
werden sie schnell einig sein.

Vorwärts, und nicht vergessen,  
worin unsere . . .

Wollen wir es schnell erreichen,  
brauchen wir noch dich und dich,  
Wer im Stich läßt seinesgleichen,  
läßt ja nur sich selbst im Stich.

Vorwärts, und nicht vergessen,  
worin unsere . . .

Unsere Herrn, wer sie auch seien,  
sehen unsere Zwietracht gern,  
denn solange sie uns entzweien,  
bleiben sie doch unsere Herrn.

Vorwärts, und nicht vergessen, .....

Proletarier a l l e r Länder  
einigt euch, und ihr seid frei!  
Eure großen Regimente  
brechen jede Tyrannei!

Vorwärts, und nie vergessen,  
und die Frage konkret gestellt  
beim Hungern und beim Essen:  
Wessen Morgen ist der Morgen?  
Wessen W e l t ist die Welt?

## DAS EINHEITSFRONTLIED

Und weil der Mensch ein Mensch ist,  
drum braucht er was zum Essen, bitte sehr.  
Es macht ihn ein Geschwätz nicht satt,  
das schafft kein Essen her

Drum links, zwei, drei!  
Drum links, zwei, drei!  
Wo dein Platz Genosse ist!  
Reih dich ein in die Arbeitereinheitsfront,  
weil du auch ein Arbeiter bist.

Und weil der Mensch ein Mensch ist,  
drum braucht er auch noch Kleider und Schuh!  
Es mach ihn ein Geschwätz nicht warm  
und auch kein Trommeln dazu.

Drum links, zwei, drei!  
Drum ...

Und weil der Mensch ein Mensch ist,  
drum hat er Stiefel im Gesicht nicht gern.  
Er will unter sich keinen Sklaven sehen  
und über sich keinen Herrn.

Drum links, zwei, drei!  
Drum ...

Und weil der Prolet ein Prolet ist,  
drum wird ihn kein anderer befrein,  
Es kann die Befreiung der Arbeiter nur  
das Werk der Arbeiter sein.

Drum links, zwei, drei!  
Drum ...

www.iran-archive.com



**CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS  
(NATIONAL UNION)**

**6 FRANKFURT 16**

Postfach 16247 – West Germany

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی